

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴
 وطن‌امروز | شماره ۴۳۵۴

اندیشه

برای اینکه بروند در یک چنین صحنه سخت، جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار دهند؟ می‌خواهم عرض کنم حافظه تاریخی و تجربیات تلخ تاریخی، همه جای خودشان محفوظ است و حتماً نقش دارد. در ورای همه اینها آن تفکر اسلامی بود که بر این نسل انقلاب حاکم شد و آنها را به چنین مسیری و به چنین مقاومتی کشاند که در تاریخ کشور ما و در تاریخ جهان به ثبت رسید و برای همیشه هم باقی خواهد ماند.

■ **ما پیش‌تر گمانه‌زنی‌هایی را شاهد بودیم مبنی بر اینکه این مقاومت تاریخی ممکن است افول کرده باشد یا سست شده باشد اما در بزنگاه‌ها و در این وضعیتی که داخلش هستیم، دیدیم این مقاومت دوباره انگار مورد فراخوانی تاریخی قرار گرفته. آن‌ها می‌توانیم باطن جامعه ایران را در این بزنگاه‌ها بشناسیم؟ چرا که انگار با یک بهانه یا جرقه، حافظه جمعی ایرانیان درباره مبارزه با استعمار یا دشمن خارجی بازخوانی می‌شود و به صحنه می‌آید.**

بله! حتماً همین‌طور است. یعنی ما مردم ایران یک ذات و ماهیتی داریم که بسیار ارزشمند است و این ذات و ماهیت نابودشدنی نیست.اگرچه دشمنان سعی می‌کنند آن را دچار تغییر کنند، آن را تا حدی کمرنگ کنند ولی به هیچ‌وجه اینگونه نیست که نابود شود. آن فرهنگ عمیق اسلامی ضد استکباری و فرهنگ عمیق دفاع از سرزمین، دفاع از خاک، دفاع از عزت و شرافت در نزد ایرانیان به هیچ‌وجه کمرنگ نمی‌شود و نخواهد شد.

این را در مواقع حساس و بحرانی واقعاً می‌شود به یک آتشفشان تعبیر کرد که از دل ملت ایران ناگهان فوران می‌کند و به بیرون می‌آید و گدازه‌هایش دشمنان را مورد هجومه و آسیب قرار می‌دهد. مسا الان در همین ماجرای اخیر کاملاً شاهدیم که چگونه دشمنان ما دچار اشتباه شدند. اساساً یکی از پایه‌های شروع تجاوز اسرائیل و رژیم صهیونیستی به ایران این بود که مردم ایران در برابر این تجاوز نخواهند ایستاد و دچار رعب می‌شوند و مردم خودشان را کنار می‌کشند. حداقل ماجرا این بود. یا حتی متجاوزان امید به همراهی مردم داشتند. حالا دیگر حداکثرش این بود که به صورت ابلهانه اینها امید به همراهی افشاری از مردم هم با خودشان داشتند.

اما بعد از اینکه این تجاوز و این حمله را انجام دادند، متوجه شدند مرکب چه اشتباه بزرگی شدند. یعنی یکی از اشتباهات استراتژیک صهیونیست‌ها و کاخ سفید بود که چنین تفرکی و چنین نظری را داشت و آنها متوجه شدند یک اشتباه بسیار مهم را انجام دادند، چرا که دقیقاً بر عکس آن چیزی شد که آنها می‌گفتند.

این نشان‌دهنده بلاتمسایستمداران صهیونیست و آمریکایی است که محاسبات‌شان کاملاً اشتباه بوده و من به نظرم می‌رسد دچار نوعی خودفریبی شده بودند. یعنی در بستر استیصال دچار نوعی خودفریبی شده بودند و البته حالا دارند تساوان آن حماقت و بلاهت و خودفریبی‌شان را هم می‌دهند. آمریکا هم که در همین مسیر حرکت کرد، آن‌شاءالله تاوان این حرکت ابلهانه خودش را خواهد داد.

■ **آقای رضایی! با توجه به سابقه‌ای که از آن روایت کردید واین پیشینه تاریخی که نام بردید، فکر می‌کنید ادامه این**

مسیر به چه سمت و سویی می‌تواند منجر بشود؟

حالا گذشته از دوران قبل از انقلاب، ما ۴۷ سال است در مقابل آمریکا ایستاده‌ایم و در مقابل تمام آن توطئه‌ها و تهاجماتش مقاومت کرده و پیروز بوده‌ایم. آمریکایی‌ها نتوانستند ما را در عرصه اقتصادی شکست بدهند، همچنین نه در عرصه سیاسی نتوانستند ما را منزوی بکنند و نه در عرصه نظامی با همه تلاش‌هایی که داشتند نتوانستند ما را محدود کنند.

ما توانستیم به پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی با توان داخلی خودمان دست یابیم، ما توانستیم پیشرفته‌ترین امکانات نظامی را به میزان انبوه در کشورمان تولید کنیم، در برابر توطئه‌های اقتصادی آنها ایستادیم. در برابر همه تهاجمات سیاسی آنها ایستادیم. در برابر آمریکا و تمام هم‌پیمانانش ایستادیم. ما ۴۷ سال است در مقابل آمریکا مقاومت کرده‌ایم و پیروز بوده‌ایم و در این مرحله هم پیروز خواهیم بود.

مردم ایران هم الحمدلله با یک روحیه خیلی خوبی – برخلاف آن چیزی که آمریکایی‌ها فکر می‌کنند – مقاومت کردند و نیروهای مسلح ما هم ضربات‌شان

بر اسرائیل و آن‌شاءالله بر آمریکا مستمر و کوبنده است. یعنی آنها یار باران موشک‌های ما به مرز استیصال رسیدند. اگر به اینجا نرسیده بودند دست به دامان آمریکا نمی‌شدند، قضایا کاملاً معلوم است که مستأصل شدند. گنبد آنتنین فروپاشید و آسمان‌شان به روی ما کاملاً بار شد و آن‌شاءالله آنها را تا مرز بیچارگی دنبال خواهیم کرد.



میرزا کوچک‌خان



امام‌قلی‌خان صفوی



باقرخان



ستارخان



رئیسعلی‌دلوری

گفت‌وگوی «وطن امروز» با مسعود رضایی درباره تاریخ مواج‌هه ایرانیان بادشمن خارجی

تشیع، مبنای مقاومت ایران

به شهادت رسید. در ادامه آن هم باز ما شاهد شکل‌گیری حرکت‌هایی در جهت مقاومت در برابر سلطه خارجی بودیم. حالا این حرکت‌ها بعضاً مسلحانه بوده و بعضاً به صورت گروه‌های سیاسی یا شخصیت‌های مذهبی که نمونه‌های بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد.

بنابراین می‌خواهم بگویم اگر چه در دوره قاجار و در دوره پهلوی حاکمیت ایران یک حاکمیت ضعیفی بود اما پیروزی انقلاب اسلامی فقط یک پیروزی سیاسی نبود. این پیروزی به صورت بسیار واضحی یک پیروزی فرهنگی و روحی و روانی بود که در ملت ایران به وجود آمد. یعنی آن ملتی که همه قوای تبلیغاتی، فرهنگی، فکری و سیاسی غربی‌ها بر این قرار گرفته بود که به او القا کنند تو ناتوانی و تو ضعیفی و تو نمی‌توانی و این ما هستیم که قوی هستیم، ما هستیم که بیشترین امکانات اقتصادی و سیاسی را داریم و ما هستیم که اگر نباشیم شماها هیچ چیزی نیستید، توانست مقاومت کنند.

این تفکر در واقع به چالش جدی کشیده شد و بشدت نفی شد. از همان ابتدای انقلاب این تفکر منفی و سیاه تبدیل شد به یک تفکر مثبت و امیدوارانه و بلندپروازانه. بر همین مبنا بود که مردم ایران یک حرکت جدیدی را از همان ابتدای انقلاب بر مبنای تفکر «ما می‌توانیم»، «ما قوی هستیم»، «ما بر انجام امور پیچیده علمی صنعتی نظامی اقتصادی توانا هستیم» و «ما می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم» شروع کردند. این تفکر بود که یک فصل جدیدی را در تاریخ ملت ایران شروع کرد.

ما شاهد بودیم در همان ابتدا مردم ایران با رهبری حضرت امام و با برخورداری از فرهنگ اسلامی و فرهنگ عاشورایی و شهادت‌طلبانه توانستند در مقابل قوی‌ترین توطئه‌های دشمنان که به انجای گوناگون به اجرا درمی‌آمد مقاومت کنند؛ از شورش‌ها و تحرکات نظامی گروهک‌های سیاسی مختلف گرفته که در همان ابتدای انقلاب به وجود آمد و یک وضعیت بسیار حساس و بحرانی را در کشور رقم زد، تا مساله جنگ تحمیلی که عراق به ایران حمله کرد. در شرایطی که ایران ظاهراً به هیچ‌وجه آمادگی ورود به یک جنگ تمام‌عیار را نداشت – نه ارتشش بعد از انقلاب سامان درستی گرفته بود و نه سپاه هنوز بدرستی شکل گرفته بود – و یک وضعیت بسیار منززلگی در کشور وجود داشت، آن چیزی که موجب ثبات و استحکام نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در اشکال مختلف خودشان از جمله ارتش و سپاه و بسیج و مردم شد، همان فرهنگ انقلابی حاکم بر جامعه ایرانی بود.

ما در این دوره توانستیم از همه این شرایط سخت عبور کنیم و یک چهره واقعاً متفاوت و جدیدی از مردم ایران به نمایش گذاشته شد. یعنی اگر چه ما در دوره‌های قبل از انقلاب هم شاهد این بودیم که جریان‌ها و حرکت‌هایی در جهت مقاومت در کشورمان شکل گرفته بود و به هر حال در بعضی جاها هم به پیروزی‌هایی دست یافته بود ولی آنچه بعد از انقلاب به وجود آمد، اساساً یک چهره واقعاً جدید بود که این چهره جدید ناشی از همان تفکر اصیل اسلامی شیعی و انقلابی بود که در مردم ایران به وجود آمده بود. این یک مروری بود بر شرایط تاریخی ما و البته طبیعی است که همچنان مستشرقان و مراکز غربی به همان شیوه سابق برخورد کنند و اساساً مایل نباشند این چهره بخوبی شناخته شود. همواره هم سعی می‌کنند نه تنها در میان مردم دیگر کشورها بلکه در میان مردم خود ایران هم تا آنجا که می‌توانند به شیوه‌های گوناگون این چهره را تخریب و تحریف کنند و آن را پنهان نگه دارند.

■ **شما به مقاومت تاریخی ملت ایران اشاره کردید و ریشه‌های آن را هم در تاریخ معاصر برشمردید. این مقاومت تاریخی در برابر استعمار را چگونه می‌توانیم صورت‌بندی نظری کنیم؟ یا به عبارت دیگر این مقاومت واجد چه خصوصیاتی است؟**

آنچه به نظر من می‌رسد این است که مقاومت در برابر بیگانگان متجاوز و زورگو، مبنای اصلی‌اش بر اسلام و فرهنگ اسلامی و شیعی است. این یک اصل مهم در فرهنگ مقاومت ملت ایران است. اتفاقاً به همین دلیل هم هست که غربی‌ها و دشمنان مساله را خیلی خوب دریافتند. با مطالعاتی که دارند، هر جا که مقاومتی می‌شود، وقتی که ریشه‌یابی می‌کنند، می‌بینند این مبنای نظری‌اش اسلام و تشیع است.

در بعد از انقلاب از دل فرهنگ شیعی، فرهنگ ولایی و ولایت فقیه هم در واقع زاییده شد و رخ نمود و این هم

در دوره بعد از انقلاب موجب شد بحث مقاومت به صورت جدی دنبال شود. حالا که به این نتیجه رسیدند، پس تلاشی می‌کنند آن فرهنگ را خراب کنند. یعنی مبنای نظری مقاومت را از بین ببرند. یعنی اگر بتوانند این فرهنگ اسلامی و شیعی و عاشورایی و شهادت‌طلبانه و ایثار گرانه را از مردم ایران بگیرند، به نظرشان می‌رسد آن نیروی مقاومت سست می‌شود و از هم فرومی‌پاشد.

البته در این زمینه چندان اشتباه هم نمی‌کنند. یعنی به نظر من این را آنها درست فهمیدند. بنابراین ما در طول دوران قبل از انقلاب هم اگر نگاه کنیم، رئیسعلی دلوری، میرزا کوچک‌خان جنگلی و اینهایی که دستت به اسلحه بردند و گروه‌های مسلحی را در برابر بیگانگان شکل دادند، اینها از مسلمان‌های کاملاً معتقد بودند و بر مبنای همان اصول و مفاهیم اسلامی با بیگانه می‌جنگیدند.

در مقابل آنها شما مثلاً گروه‌های چپ را می‌بینید، مثل حزب توده که از سال ۱۳۲۰ شکل گرفت. این یک حرکت سیاسی را شروع کرد که اگر چه با یک قطب متجاوز دشمنی داشت اما خودش کاملاً وابسته به قطب دیگری یعنی اتحاد جماهیر شوروی بود و موفقیتی هم کسب نکرد. بنابراین این شرایطی که وجود دارد در قبل از انقلاب کاملاً به ما نشان می‌دهد این مبنای نظری همان اسلام و تشیع است، همچنین بحث ولایت و تبعیت از ولایت فقیه.

■ **ما در طول تاریخ رئیسعلی دلوری، میرزا کوچک‌خان و شمار بسیاری از شخصیت‌های را که در برابر استعمار مقاومت کردند داریم که هر کدام برای ما تجربه‌ای را به همراه داشته است؛ آیا می‌توان گفت تجربیات تاریخی بتدریج برای ما یک فرهنگ مقاومت به ارمان آورده است؟ اگر آری، این فرهنگ مقاومت در هر واقعه‌ای چگونه رشد و تکوین یافته و چه کمکی به فهم ایرانیان از مساله دشمن خارجی و استعمار کرده است؟**

در واقع آن فرهنگ مقاومت‌مان مبتنی بر یک فرهنگ عمیق ۱۴۰۰ ساله است. یعنی این فرهنگ اسلامی است که ریشه و مبنای آن فرهنگ مقاومت است. حالا ما با بحث خودمان را از دوره قاجار شروع کردیم. شما به گذشته تاریخی هم اگر برگردید، در سراسر این ۱۴۰۰ سال گذشته، وقتی نگاه می‌کنید، آن فرهنگ مقاومت مبنایش همین فرهنگ اسلامی است که در کشور ما وجود داشته. قیام‌های مختلفی هم وجود داشته که در تاریخ ثبت شده. بنابراین می‌خواهم عرض کنم برای ما در حال حاضر به یادگار مانده، از گذشته تاریخ‌مان همین فرهنگ اسلامی است که مثل یک زمین بسیار مساعدی می‌ماند که در آن بذر مقاومت کاملاً می‌تواند رشد کند و قوی شود و مستحکم شود. باز عرض می‌کنم شاید تکراری باشد اما تأکید می‌کنم اگر این زمین مستعد که به نام فرهنگ اسلامی در کشور ما هست، این زمین اگر آلوده شود، اگر تخریب شود، من معتقدم بذر مقاومتی در سرزمین ما نخواهد روید.

اتفاقاً دشمنان ما چون این قضیه را بخوبی می‌دانند و فهمیده‌اند، تلاش می‌کنند این زمین را مسموم کنند. در این صورت طبیعتاً دیگر مقاومتی هم یا درخت مقاومتی هم در این زمین نخواهد بود.

■ **شما به مقایسه دوران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب هم در مقاومت تاریخی ملت ایران اشاره کردید. می‌خواهم بپرسم کدام تجربه تاریخی باعث شد ملت ایران پس از انقلاب و با پیروزی انقلاب اسلامی، در برابر دشمن خارجی صف‌آرایی کند و این بار بر خلاف دوران قاجار، پیروزی‌هایی را کسب کند؟ این پیروزی‌ها چگونه حاصل شد و چگونه می‌تواند تقویت شود؟**

تقویت و استحکام هر چه بیشتر همین فرهنگ اسلامی است. یعنی ما انقلاب‌مان یک صفت دارد و آن اسلامی است. ما انقلاب اسلامی در کشورمان انجام دادیم و بعد رهبری داشتیم به نام امام خمینی که آنچه به مردم ایران می‌گفتند و توصیه می‌کردند بر مبنای مفاهیم اسلامی بود. یک ارتباط بسیار محکم و وثیقی بین امام و امت شکل گرفت و این مبنای قدرت و استحکام ملت ایران در برابر دشمنان است. یعنی می‌خواهم عرض کنم ما تجربیات تاریخی خودمان را هم همواره در نظر داریم. مثلاً مردم ایران به هر حال این را از یاد نبرده بودند که در شهریور سال ۱۳۲۰ دو کشور – شما به مقایسه دوران قبل از انقلاب و انگلیس – بدون اینکه اصلاً اعتنایی به خواسته‌های مردم ایران داشته باشند، بر مبنای قدرتی که داشتند وارد کشور ما شدند خاک کشور ما را برای چند سال اشغال کردند، از تمام امکانات ما بهره گرفتند و مردم ما در کشور خودشان دچار قحطی و فقر

و فلاکت بی‌حد و حصر شدند. جمع زیادی از آنها هم بر اثر همین قحطی و بیماری و فقر و فلاکت جان خودشان را از دست دادند.

اینها تجربه تلخی بود که‌ه از یاد مردم ایران نرفته بود یا مثلاً مردم ایران در حافظه خودشان داشتند که بعد از مبارزات بسیار جدی که برای ملی شدن صنعت نفت بود و می‌خواستند این سرمایه ملی در اختیار خود مردم ایران باشد، آمریکا و انگلیس در یک اقدام مشترک این نهضت ملی را زیر پا گذاشتند و آن را نابود کردند و مجدداً خودشان را بر صنعت نفت ما حاکم کردند.

اینها همه به عنوان یک تجربه تاریخی در کشور ما وجود داشت و در حافظه تاریخی مردم ما هم بود اما در مسیر انقلاب یک مساله برای مردم ما به عنوان مساله اصلی شناخته شد و آن این بود که اگر ما ملت ایران می‌خواهیم به عزت برسیم، به قدرت برسیم، به استقلال برسیم، به آزادی برسیم و به آن شأن و مرتبه‌ای برسیم که در برابر بیگانگان سر خم نکنیم و دیگر بیگانه‌ای در کشور ما بر ما مسلط نباشد. این دستاوردها را ما در صورتی می‌توانیم داشته باشیم که پایبند به اصول و مفاهیم و فرهنگ اسلامی و شیعی باشیم.

ایسن باوری بود که مردم ما به آن رسیدند. در دوره بعد از انقلاب شما مثلاً در دوره جنگ تحمیلی می‌بینید. شعارهای رزمندگان چه بود؟ رزمندگانی که در خط اول در حال جنگ با متجاوزان یعنی بودند. الحمدلله فیلم‌ها و مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها با آنها هست. ببینید آنها چه می‌گفتند، حرف‌شان چه بود.

همچنین به وصیتنامه شهدا می‌توان مراجعه کرد. انبوهی از وصیتنامه شهدا وجود دارد که اینها را می‌شود تحلیل محتوا کرد و از آن وصیتنامه‌ها کاملاً دریافت اگر این شخصی که یک دهقان بوده، یک کارگر بوده، یک کارمند بوده، یک دانش‌آموز یا یک دانشجو بوده و رفته به جبهه، او بر مبنای چه انگیزه‌ای وارد جبهه شده؟ بر مبنای کدام فرهنگ، کدام تفکر و کدام خواسته به جبهه رفته و اینگونه شجاعانه در جبهه جنگیده تا شهادت؟

یعنی اگر گفته «ما به جبهه می‌رویم و تا آخرین قطره خون‌مان مقاومت می‌کنیم»، این‌را فقط به عنوان یک شعار نمی‌گفتند، بلکه در عمل آن را به اجرا گذاشتند. این رزمندگان در وصیتنامه خودشان چه مواردی را بیان کردند که‌ه به آنها انگیزه داد، به آنها امید داد و به آنها انرژی داد

در انقلاب اسلامی یک ارتباط بسیار محکم

و وثیقی بین امام و امت شکل گرفت و این مبنای قدرت و استحکام ملت ایران در برابر دشمنان شد. آنچه بعد از انقلاب به وجود آمد،

اساساً یک چهره واقعاً جدید بود که این چهره جدید ناشی از همان تفکر اصیل اسلام شیعی

و انقلابی بود که در مردم ایران به وجود آمده بود. فرهنگ مقاومت مبنایش همین فرهنگ اسلامی است که در کشور ما وجود داشته.

قیام‌های مختلفی هم وجود داشته که در تاریخ ثبت شده. بنابراین آنچه برای ما در حال حاضر به یادگار مانده، از گذشته تاریخ‌مان همین فرهنگ اسلامی است

